

انقلاب در ایران از زبان آخرین سفیر آمریکا

۲۳ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۱۲:۴۸

سولیوان آغاز قیام ملت ایران بر ضد رژیم شاهنشاهی را سفر جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا، به ایران می داند و نقش امام خمینی (ره) در هدایت و رهبری انقلاب را متذکر می شود. وی در خاطرات خود از امام خمینی به احترام یاد می کند و از پخش سخنرانی های امام از نجف به ایران و وجود شبکه گسترده ای برای توزیع این نوار ها در سراسر کشور، اطلاعاتی به دست می دهد.

در تهران حضور فعال آمریکایی ها در ایران به دهه ۱۳۲۰ باز می گردد. حضوری که با وقوع کودتای انگلیسی - آمریکایی در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به اوج خود رسید. از این زمان به بعد آمریکا و به طور مشخص عوامل سیاسی، نظامی و اقتصادی این کشور در ایران به فعالانی مایشاء تبدیل شدند که سهم مهمی در تحولات ایران داشتند. حضور و فعالیت عناصر آمریکایی در ایران در دهه ۱۳۵۰ اهمیتی مضاعف یافت. زیرا صحنه سیاست ایران در این دوران با توجه به اوج گیری نهضت اسلامی تبدیل به میدانی پرالتهاب شد. از این روی در برهه مورد اشاره ماموران و سفیران متعددی از سوی دولت آمریکا به سوی ایران گسیل شدند که از میان آنها می توان به سولیوان، الیوت، هایزر و ... اشاره نمود. فرستادگان آمریکا علاوه بر وظیفه معمول خویش وظایف حساس دیگری نیز بر عهده داشتند. آنان با دربار ایران ارتباطی نزدیک تر برقرار نموده و لحظه به لحظه و جزء به جزء تغییرات و تحولات ایران را به دولت متبوعشان گزارش می دادند. در بین ماموران و سفرای یاد شده نقش ویلیام سولیوان نقشی ویژه و حساس است. وی در برهه انقلابی در ایران حضور داشت و از نزدیک ناظر تمام تحولات مربوط به انقلاب بود. گزارش هایی که آخرین سفیر آمریکا در ایران، در دوران سلطنت پهلوی، تهیه کرده است برای فهم بهتر تحولات منجر به وقوع انقلاب اسلامی اهمیت ویژه ای دارد. در این مقال به بیان گزیده ای از این گزارش ها پرداخته خواهد شد؛ ویلیام سولیوان، حدود ۲ سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی کارتر رئیس جمهور آمریکا ماموریتش را در ایران آغاز کرد. یعنی همزمان با پایان نخست وزیر ی امیر عباس هویدا. در واقع وی دوران ۴ نخست وزیر پایان دوره پهلوی را درک کرده است. ویلیام سولیوان قبل از اعزام به ایران به عنوان سفیر آمریکا، آشنایی چندانی با اوضاع ایران نداشت و تا آن موقع هیچ گاه به این کشور سفر نکرده بوده. با این حال آنچه باعث شد رئیس جمهور آمریکا وی را به این سمت برگزینند این بود که سردمداران سیاست خارجی آمریکا در این برهه، به دنبال دیپلماتی بودند که با نظامهای دیکتاتوری آشنایی کامل داشته باشد. تجربه حضور سولیوان در ویتنام و فیلیپین وی را به گزینه مناسبی برای انجام مقصود دولت آمریکا تبدیل کرده بود.

ماموریت سولیوان در ایران علاوه بر جنبه سیاسی، دارای جنبه های نظامی، اجتماعی و جاسوسی نیز بود. در ذیل به نمونه هایی از گزارش هایی که از سوی آخرین سفیر آمریکا در زمینه ماموریت های محوله تهیه شده است اشاره خواهد شد؛

وی در گزارشی درخصوص ورود به تهران می‌نویسد: "به خاطر کثرت پرسنل نظامی آمریکا در تهران و به علت وسعت برنامه فروش تسلیحات به ایران دعوت فرماندهی آمریکا در اروپا برای دیداری از مقامات نظامی آمریکا در راه مسافرت به تهران را پذیرفتم." پس از ورود سولیوان به تهران، شاه در ملاقات با سولیوان خواهان اطلاع از خط مشی حکومت آمریکا بویژه کارتر در قبال ایران بود لذا دیدارها و مذاکراتی بین سفیر جدید آمریکا و شاه ایران انجام شد. از جمله مباحثات مطرح شده در مذاکرات سولیوان و شاه، بحث در زمینه طرحهای اقتصادی بود که به واسطه مشارکت آمریکاییان در بهره برداری از صنایع نفت ایران و فعالیت های عمده آمریکاییان در این صنعت، سولیوان علاقه خود را به این صنعت ابراز داشته و دائم در جریان اخبار و گزارشهای مربوط به آن قرار می‌گرفته است.

آنچه برای سولیوان در این مذاکرات در اولویت بوده؛ نخست مسئله چگونگی فعالیت مستشاران نظامی در ایران و برنامه کلی فروش وسایل و تجهیزات نظامی به ایران بود که تجدیدنظر آن ضروری به نظر می‌رسید. وی در این زمینه می‌گوید:

"مسیون نظامی ما در ایران تحت شرایطی شروع به کار کرده بود که سیاست کلی آمریکا بر مبنای فروش نامحدود اسلحه و تجهیزات نظامی به ایران استوار بود. و هیئت نظامی ما در ایران هم بیشتر نقش مامور خرید اسلحه برای ایران را بازی می‌کرد. روش کار براین منوال بود که مقامات ایرانی صورت سفارشات تسلیحاتی خود را با مشورت مستشاران آمریکایی تنظیم می‌کردند و هیئت آمریکا ترتیب خرید و تحویل این سلاحها را می‌داد. پرداخت پول این سلاحها هم با در آمد روز افزون نفت ایران مسئله ای به شمار نمی‌آمد."

وی گزارشهای فراوانی از رایزنی های تسلیحاتی بین ایران و آمریکا در زمان انقلاب تهیه کرده است؛ سولیوان فروش تجهیزات نظامی آمریکا به ایران را از مسائل حاد این دوران می‌داند و از طرفی هم از اختلاف نظرهای زیادی که در مورد فروش این تجهیزات به ایران بین مقامات آمریکایی وجود داشته سخن می‌گوید. با توجه به مسئله نفت و اهمیت آن برای آمریکا و تاثیر ایران در ثبات منطقه حساس خلیج فارس و از سوی دیگر درخواستهای رژیم ایران از آمریکا مبنی بر خرید سلاح، اهمیت ایران برای آمریکا دو چندان بود. به همین منظور سولیوان به نمایندگی از طرف کارتر برای این امر مهم فرستاده شد تا در این زمینه با محمدرضا شاه وارد مذاکره شود. آ

گزارشات اجتماعی آ

سولیوان در ماموریت خود، اوضاع اجتماعی ایران را تشریح می‌کند. وی در خاطرات خود از وجود شبکه وسیعی از دیپلماتهای اسرائیلی در ایران گزارش داده است. همچنین از اقامت ۳۵ هزار آمریکایی در ایران در سال ۱۳۵۵ خبر داده است که همه آنها به استثنای قریب ۲ هزار نفر وابسته به شرکتها و موسسات خصوصی آمریکایی بودند. وی می‌گوید دولت آمریکا خیلی نگران این عده آمریکایی در ایران بوده از این جهت که احتمال تبدیل کارکنان شرکتهای صنایع نظامی آمریکا در ایران به عوامل مزدور تشکیلات نیروهای مسلح ایران، وجود داشته در مورد این امر از سوی مقامات آمریکایی ابراز نگرانی شده بود. آ

وی در مورد رفتار مردم ایران با آمریکاییان می‌گوید: "با ملاقاتهایی که در طول ماموریت در ایران کسب کردم به این نتیجه رسیدم که افکار و احساسات مردم ایران نسبت به آمریکاییان برخلاف آنچه بخش کوچکی از جامعه ایرانی در معاشرتهای خود با من نشان می‌دهند، چندان دوستانه نیست و ما نباید مهمان نوازی و چاپلوسی بعضی از خانواده های مرفه و ثروتمند ایرانی را

نسبت به خود، به حساب جامعه ایرانی بگذاریم.^۱

با توجه به اهمیت بازار و بازاریان، هم در شکل‌گیری تظاهرات‌های خیابانی و هم نقش بازار در اقتصاد ایران، در بحبوحه انقلاب، وی خواهان ارتباط با بازاریان بود. در این زمینه می‌گوید: "در گذشته ارتباطات نزدیکی بین آمریکاییان و بازاریان وجود داشت. اما در حال حاضر سفارت آمریکا رابطه در خور توجهی با بازار و بازاریان ندارد. پس از آنکه از تلاش برای کسب اطلاعات شخصی درباره بازار ناامید شدم از مقامات سفارت خواستم که درباره بازاریان و طرز تفکر و فعالیت‌های آنان اطلاعاتی برای من کسب کنند، اما تماس با بازاریان هم آسان نبود، زیرا بازاری‌ها از تماس با آمریکایی‌ها اکراه داشتند ... به طور خلاصه ما هرگز نتوانستیم روابط صادقانه و رضایت‌بخشی با این قشر ایران برقرار کنیم و به همین جهت از نقش مهم و موثر آنها در جریان انقلاب ایران هم ناموفق ماندیم."^۱

گزارشاتی از انقلاب ۱

سولیوان آغاز قیام ملت ایران بر ضد رژیم شاهنشاهی را سفر جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، به ایران می‌داند و نقش امام خمینی (ره) در هدایت و رهبری انقلاب را متذکر می‌شود. وی در خاطرات خود از امام خمینی به احترام یاد می‌کند و از پخش سخنرانی‌های امام از نجف به ایران و وجود شبکه گسترده‌ای برای توزیع این نوارها در سراسر کشور، اطلاعاتی به دست می‌دهد.

وی در تلاش بوده است تا با رهبران مذهبی هم ارتباط برقرار کند تا بتواند آنان را با خود همراه سازد. اما در این رابطه هم ناموفق بود. در این زمینه می‌گوید: "ما در دوران انقلاب سعی کردیم روابط نزدیک‌تری با رهبران مذهبی ایران برقرار کنیم ولی هرگز نتوانستیم."^۱

در زمانی که امام خمینی (ره) در پاریس حضور داشت، سولیوان پیامی به مقامات آمریکایی در واشنگتن مخابره و از آنها خواست: "مقدمات لازم را برای مذاکره با آیت‌الله خمینی در پاریس فراهم کنند." تا مستقیماً با امام خمینی (ره) وارد مذاکره شوند تا شاید نظر امام را جلب نمایند. اما با برگزاری کنفرانس گوادلوپ که با حضور سران کشورهای غربی برگزار شد، سردمداران اروپایی، آمریکا را قانع کردند، که راهی برای نجات شاه باقی‌نمانده و غرب باید برای حفظ منافع حیاتی خود در این منطقه حساس جهان چاره‌ای دیگر بیندیشد و مذاکره با آیت‌الله خمینی بی‌فایده است.^۱

با اوج‌گیری تظاهرات و اعتراضات مردمی در ایران، علاوه بر اینکه رژیم در این زمینه تدابیر امنیتی شدیدی را به کار می‌گرفت، مقامات آمریکایی هم در فکر مهار این قیام بودند، از جمله اینکه سولیوان در گفتگو با سیاستمداران آمریکایی، از سفارش ایران برای گاز اشک‌آور طرفداری کرده و استدلال کرد که اگر از دیدگاه حقوق بشر مطرح شود، مخالفت با گاز اشک‌آور به ایران بی‌معنی است اما استعمال گاز اشک‌آور کمترین کاری است که می‌توان برای مقابله با اغتشاش انجام داد.^۱

با وخیم‌تر شدن اوضاع، سفیر آمریکا در ایران همراه با اعضای سفارت آمریکا برای اطلاع از جریان وقایع و حفظ امنیت آمریکایی‌هایی که در قسمت‌های مختلف فعالیت داشتند یک اتاق کنترل و یک شبکه اطلاعاتی در سطح تهران به وجود آوردند. این تدبیر برای حفظ جان آمریکایی‌ها در صورت بروز خطر اندیشیده شده بود.^۱

یکی از پدیده‌های عجیب این دوران هم افزایش تعداد فرستادگان ویژه‌ای بود که هر یک با عناوین رسمی و غیر رسمی از واشنگتن به تهران می‌آمدند و حامل پیامی برای شاه بودند. از جمله مقامات یک شرکت بزرگ آمریکایی بود که در صدد انعقاد قرارداد چند میلیارد دلاری بازرگانی با ایران بوده است. فرستاده دیگر از واشنگتن مایکل بلومنتال وزیر خزانه‌داری آمریکا، بود که

برای قیمت گذاری و مسائل اقتصادی به ایران آمده بود. وی می گوید: "با توجه به رنگ مذهبی تظاهراتی که برضد رژیم برپا می شد، بسیاری از ناظران سیاسی آن را خطری جدی برای رژیم تلقی نمی کردند و حتی تا اواخر بهار که تظاهرات مخالف آمیز وسعت بیشتری یافته بود ناظران خارجی این تشنجات را برای جامعه‌ای که در حال دگرگونی از یک جامعه سنتی به یک جامعه مدرن با مظاهر تمدن غربی است، امر طبیعی می‌پنداشتند." حتی در جریان خبرهایی هم که، سولیوان موظف به گزارش آن بود، اوضاع را جلوه نمی‌داد چرا که از این کار منع شده بود و برای موقعیت آمریکا در ایران زیان بخش به نظر می‌رسید. ^۱ گزارشی از سفارت

سفارت آمریکا در تهران فعالیت های پر دامنه ای داشت. به گفته سولیوان بیشترین فعالیت های سفارت شامل بخش نظامی می شد. مامورین آمریکایی برای آموزش ایرانیان جهت استفاده از سلاحها به تکنیک‌های تازه به ایران اعزام می شدند. ^۱ در جریان ورود انقلابیون به سفارت آمریکا و تسخیر آن، بسیاری از اسناد موجود در سفارت سوزانده شدند که اگر این اسناد حفظ شده بود، بسیاری از حقایق روابط ایران و آمریکا در دوران انقلاب آشکار می شد. سخنان سولیوان در این زمینه مؤید این مدعاست. ^۱ اما طی دو هفته با پیش بینی خطرات احتمالی بسیاری از اسناد طبقه بندی شده سفارت را بسته بندی کرده و به واشنگتن فرستادیم. آنچه باقی مانده بود قسمتی از مدارک و سوابق مکاتبات روزانه ما بود که برای کارهای روزمره خود به آنها احتیاج داشتیم. قسمت عمده این اسناد هم در بایگانی رمزی ما نگهداری می شدند و پیش بینی های لازم به عمل آمده بود که در صورت بروز خطر جدی بتوانیم ظرف ۲ ساعت این اسناد را سوزانده و یا در دستگاه های مخصوص ریز ریز کنیم. با افزایش خطر مراقبت و آمادگی ما افزوده شد و با انتقال تمام اسناد و دستگاه های رمزی و مخابراتی، به اتاق مخصوص بایگانی اسناد دستور دادم که به محض بروز خطر آنها را از میان بردارند. ^۱

به همین جهت تسخیر سفارت توسط دانشجویان پیرو خط امام نام "لانه جاسوسی" به خود گرفته در نتیجه با تصرف سفارت بسیاری از آمریکاییان به کشور خود مهاجرت کردند. نهایتاً سولیوان هم در پایان ماموریتش به ایران، مورد بی توجهی مقامات آمریکایی قرار می گیرد و از شغل خود استعفا می دهد. منابع:

۱- خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ^۱

۲- اسناد لانه جاسوسی تاریخ بیست و پنج ساله ایران، سرهنگ غلامرضا نجاتی

روزنامه رسالت ۱۳۹۰/۹/۲۰

منبع: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۲۵۹۰/انقلاب-ایران-آخرین-زیان-انقلاب/>